

۱- قصد مجرمانه و قابلیت پیش بینی صدمه

قصد نتیجه ی مجرمانه گاه صریح و مستقیم است به طوری که مجرم ابتداءً و بالاصاله تحقق نتیجه ی مجرمانه را به دنبال انجام افعال اختیاری طلب می کند.^۱ به عبارت دیگر مرتکب با انجام کاری قصد کشتن یا قطع عضو یا مجروح کردن دیگری را دارد و عملاً به نتیجه ی مورد نظر خود می رسد. در اینجا بدون توجه به نوع وسیله ی به کار رفته و بدون توجه به اینکه آیا آن کار نوعاً چنین نتیجه ای را در بردارد یا خیر، عمدی محسوب می شود. بدین ترتیب، هرگاه شخصی به قصد کشتن یا مجروح کردن دیگری به کتک زدن وی با یک تکه چوب نازک پردازد و عملاً باعث مرگ یا مجروح شدن قربانی شود جرم وی عمدی محسوب خواهد شد هرچند که این عمل نوعاً چنین نتیجه ای را در بر ندارد.^۲ به بیان دیگر هرگاه فعلی مطابق بند الف ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی انجام شود چون صرف تحقق قصد کشتن برای احراز عمد کافی است و وسیله ی به کار گرفته شده چه نوعاً کشنده باشد چه اتفاقاً، موثر نیست. بنابراین قابلیت پیش بینی یا عدم پیش بینی در این موارد قابل بحث نیست. همچنین در مواردی که مرتکب قصد کشتن یا مجروح کردن دیگری را دارد و عملی انجام می دهد که می داند شانس موفق شدن در آن کم است نیز عمل وی در صورت حصول نتیجه ، عمدی محسوب خواهد شد.^۳ حتی اگر حصول چنین نتیجه ای برای وی قابل پیش بینی نباشد.

گاهی مرتکب بدون اینکه قصد صریح و اصاله بر وقوع نتیجه داشته باشد قصد فعل به تنهایی در تحقق عمد کافی است. در این صورت فعل ارتكابی باید از چنان خصوصياتی برخوردار باشد که به موجب آن بتوان قصد مجرمانه را مفروض قلمداد کرد این نوع قصد را غیرمستقیم ، تبعی و یا ضمنی می نامند.^۴ این نوع قصد مجرمانه در بند ب ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است. بدین ترتیب ، هرگاه کسی فرد دیگری را که شنا نمی داند به داخل استخر عمیقی پرتاب کند یا وی را از بالای بلندی به پایین

۱- صادقی ، دکتر محمد هادی ، جرایم علیه اشخاص (صدمات جسمانی) ، چ هشتم ، نشر میزان ، سال ۱۳۸۴ ، ص ۱۱۲ .

۲- میر محمد صادقی ، دکتر حسین ، جرایم علیه اشخاص ، نشر میزان ، چ دوم ، بهار ۸۲ ، ص ۱۰۰ .

۳- میرمحمد صادقی ، منبع قبل ، ص ۱۰۱ .

۴- صادقی ، دکتر محمد هادی ، منبع قبل ، ص ۱۱۳ .

اندازد و یا به طرف او گلوله ای شلیک کند در صورت وقوع مرگ یا جراحت، عمل وی حتی در صورت فقدان قصد قتل یا ایراد صدمه، عمدی محسوب خواهد شد. زیرا کسی نمی تواند چنین اقدامات خطرناکی را انجام داده و از عواقب کار خود بگریزد.^۱ به عبارت دیگر قصد ارتکاب فعل مجرمانه با آلات قتاله و انجام کار غالباً کشنده در قتل و انجام کاری که نوعاً موجب قطع یا جرح عضو می شود در جنایات مادون نفس، حکایت از وجود قصد نتیجه و عمد در جنایت بر دیگری دارد اگرچه جانی ابتداءً قصد قتل یا جرح مجنی علیه را نداشته باشد.^۲

گاهی نیز جانی عملی انجام می دهد که نه قصد کشتن و یا مجروح کردن دیگری را دارد و نه اینکه فعل او نوعاً کشنده است بلکه این عمل نسبت به قربانی خاص بر اثر بیماری، پیری، ناتوانی، کودکی و امثال اینها از چنین ویژگی برخوردار بوده است و جانی بر این امر آگاهی داشته است. (بند ج ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی).

بنابراین با توجه به توضیحات فوق قابلیت پیش بینی قتل، تنها در بند ب و ج ماده ۲۰۶ ق.م.ا به دلیل عدم وجود قصد ابتدائی قابل بررسی است و در مورد بند الف به علت وجود قصد صریح قتل قابل پیش بینی بودن یا نبودن وقوع نتیجه موثر نیست.

۱-۱- فعل غالباً کشنده عام

فعل غالباً کشنده عام عملی است که نسبت به همه یا اغلب انسان ها غالباً کشنده و مرگبار است. مانند زدن چاقو به گردن، شلیک گلوله به قلب، خفه کردن، سم دادن و... این قبیل افعال مرگبار هستند و مجنی علیه فوت می کند. فعل غالباً کشنده عام در بند ب ماده ۲۰۶ ق.م.ا مورد اشاره قرار گرفته است. فعلی نوعاً کشنده است و رفتار مادی قتل عمد را تشکیل می دهد که قاتل اولاً آن فعل را با اراده انجام داده باشد - ثانیاً قصد اصابت آن فعل بر مجنی علیه را داشته باشد - ثالثاً علم به کشنده بودن فعل هم داشته باشد. بنابراین بحث از قابلیت پیش بینی قتل در شق سوم می باشد یعنی اینکه برای تحقق قتل عمد طبق بند ب ماده ۲۰۶ آیا ضرورت دارد که قاتل از کشنده بودن فعل خود آگاه باشد یا نه؟ مثلاً شخصی دیگری را با میله ی آهنی بر سر آن می کوبد و می گوید که به کشنده بودن آن آگاهی نداشته است یا اینکه چاقویی به قلب دیگری وارد می آورد و می گوید که نمی دانسته که ضربه به قلب کشنده است. در این مورد باید بین افعال نوعاً کشنده تفکیک قائل شد:

۱- کشنده بودن برخی از افعال عرفاً معلوم و روشن است و همه یک فهم عرفی به کشنده بودن پاره ای از افعال دارند مخصوصاً در مورد آلات قتاله، کشنده بودن آنها برای هرکسی قابل پیش بینی است. بنابراین استفاده از آنها به منزله ی قصد نتیجه ی مجرمانه است حتی اگر قاتل نتیجه را نخواست باشد یا برای وی حصول چنین نتیجه ای قابل پیش بینی نباشد. ادعای جهل به کشنده بودن چنین افعالی مسموع نیست چون علم عرفی مفروض است. بنابراین اگر کسی به دنده های دیگری با چاقو ضربه بزند احتمال زیادی وجود

۱- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، چ دوم، بهار ۸۷، ص ۱۰۶.

۲- صادقی، دکتر محمد هادی، جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، چ هشتم، بهار ۸۴، ص ۱۱۲.

دارد که این امر به مرگ یا صدمه جسمی شدید او منجر شود و از آنجایی که بیشتر افراد از این موضوع آگاه هستند این احتمال وجود دارد که در زمان ارتکاب عمل، مرگ یا صدمه شدید جسمانی را پیش بینی کرده باشد. پس اگر فردی متعارف و معقول می توانسته مرگ یا صدمه شدید جسمانی را به عنوان نتیجه ی فعل متهم پیش بینی کند حتی اگر متهم واقعاً نتوانسته باشد چنین عواقبی را پیش بینی کند وی قاصد در مرگ یا صدمه شدید جسمانی است.^۱ قانونگذار در ماده ۶۸۹ قانون مجازات اسلامی نیز این امر را مورد اشاره قرار داده است که هرگاه کسی عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معد برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ های متعلق به دیگری را آتش بزند و این اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود مرتکب علاوه بر مجازات های مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تادیبه ی خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد. بنابراین هرچند که مرتکب قصد قتل یا صدمه با اقداماتی که انجام می دهد را ندارد اما هر انسان متعارفی این امر را پیش بینی می کند که ممکن است به انسانی صدمه وارد آید حتی اگر وی نتوانسته باشد عواقب چنین کاری را پیش بینی نماید باز عمل وی عمدی به شمار می آید.

۲- دسته ی دوم افعالی هستند که علم به کشنده بودن آنها مستلزم دارا بودن دانش و اطلاعات تخصصی یا فن خاصی است. مثلاً در مورد سموم، فراورده های شیمیایی، اشعه ها و... در این قبیل افعال فرض بر جهل به کشنده بودن این افعال است اما اگر علم متهم به کشندگی آنها ثابت شود قتل عمدی است. در فقه نیز مثال ها و نمونه هایی آورده شده است که قابلیت پیش بینی صدمه یا قتل، موجب عمدی محسوب شدن آن عمل شده است. به بیان دیگر فقها می گویند که قصد انجام یک فعل با علم به ترتب نتایجی بر آن فعل، مانند قصد آن نتایج است پس اگر کسی عملی را انجام دهد که می داند آن عمل او منتهی به فلان نتیجه خواهد شد یعنی تحقق نتیجه را پیش بینی کرده و عمل را انجام داده باشد مثل آن است که آن نتیجه را قصد کرده است. مثلاً اگر کسی چاه عمیقی را در معرض عبور مردم به طور عمدی حفر کند و سقوط در این چاه غالباً قابل تحقق است و کسی در این چاه سقوط نماید و فوت کند کسی که چاه را حفر کرده قاتل عمد است و فرقی بین داشتن قصد قتل یا عدم قصد وجود ندارد.^۲ چرا که سقوط در چاه برای هر انسان متعارف و معقول و حتی برای خود حافر چاه نیز قابل پیش بینی است. یا مثلاً در موردی که شخصی دیگری را می بندد و او را در محیطی که غالباً در آن حیوانات درنده وجود دارد رها سازد و شخص بر اثر حمله ی حیوانات درنده کشته شود قتل عمدی است^۳ به این دلیل که رها ساختن شخصی در دشتی با دست های بسته که حیوانات درنده در آن غالباً و نوعاً وجود دارند برای هر فرد متعارفی قابل پیش بینی است، پس با انجام آن عمل و پیش بینی تحقق نتیجه، مانند آن است که نتیجه را قصد کرده است.

۲-۱- فعل غالباً کشنده خاص

۱- کاترین البوت و فرانسیس کوئین، حقوق جزا، ترجمه آوا واحدی نوایی و نسترن غضنفری، نشر میزان، چ اول ۸۷ ص ۱۱۵.

۲- موسوی الخویی، السید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، نشر موسسه احیاء آثار الامام الخویی، مساله ۹، ص ۸.

۱- همان، مساله ۱۴، ص ۱۱.

در فعل غالباً کشنده خاص جانی نه قصد قتل دارد و نه اینکه فعل نوعاً کشنده است بلکه فعل نسبت به برخی افراد به علت پیری، کودکی، بیماری، ناتوانی و... نوعاً کشنده است. قانونگذار در بند ج ماده ۲۰۶ ق.م.ا به این مورد اشاره کرده است یعنی در این بند قابلیت پیش بینی قتل از اهمیت بسیاری برخوردار است. قانونگذار در این بند به لزوم آگاهی قاتل به آسیب پذیری مقتول اشاره کرده است بنابراین اصل را بر جهل گذاشته است و این آگاهی باید ثابت شود. البته در این بند نیز باید بین دو مورد قائل به تفکیک شد:

۱- وضعیت آسیب پذیری برخی از افراد مشهود و قابل رویت است مثل اطفال، اشخاص پیر، کسانی که بر روی تخت های بیمارستان هستند یا در صانحه ی رانندگی دچار حادثه شدند. در وضعیت های مکشوف اصل بر علم است مگر اینکه ثابت شود که جهل داشته است مثلاً ثابت نماید که عمل انجام شده در تاریکی شب بوده و یا اینکه مرتکب نابینا بوده است. بنابراین هرگاه کسی به دیگری که ساعتی قبل عمل جراحی سنگینی را پشت سر گذاشته و در ضعف مفروطی به سر می برد بدون قصد قتل به وی سلی بزند و قربانی در اثر همین ضربه بمیرد عمل مرتکب قتل عمدی می باشد^۱ به این علت که مرتکب با آگاهی از وضعیت خاص قربانی عملی را انجام داده که تحقق نتیجه بر آن قابل پیش بینی است.

۲- در مواردی بیماری ها پنهان هستند و حتی خود بیمار هم از بیماری خود آگاه نیست در این مورد حتماً باید علم قاتل به بیمار بودن مقتول احراز شود تا قتل عمدی باشد. به عبارت دیگر زدن ضربه ای که نوعاً کشنده نیست اما به علت بیماری پنهان قربانی مانند بیماری قلبی، بر وی نوعاً کشنده است برای قاتل و هیچ شخص متعارف دیگری قابل پیش بینی نیست.

۲- نقش پیش بینی صدمه در تحقق یا قطع رابطه علیت

در بند الف ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی همین که قاتل قصد قتل داشته باشد خواه فعل ارتكابی نوعاً کشنده باشد یا نباشد برای تحقق قتل عمدی کفایت می کند. البته این به معنای عدم ضرورت احراز رابطه علیت نیست بنابراین در بند الف در آنجا که تاکید شده که عمل متهم باید در عمل سبب قتل شود تاکید بر لزوم احراز رابطه علیت است. اما در این بند نیازی نیست که رابطه علیت مستقیم باشد بلکه هرگاه عمل متهم علت مرگ یا یکی از علل مرگ هرچند علت با واسطه و دور باشد ولی در عمل سبب قتل شود قتل عمدی محقق است. مثلاً اگر کسی به قصد قتل با چاقوی زهرآگین که به سمی بودن آن آگاه نیست ضربه ای به پای قربانی وارد آورد و قربانی بر اثر سرایت سم فوت نماید با اینکه متهم از کشندگی فعل خود آگاه نیست و این عمل نیز کشندگی آن برای وی قابل پیش بینی نمی باشد باز هم قتل عمدی است. اما در بند ب و ج ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی با توجه به اینکه قابلیت پیش بینی تحقق قتل حائز اهمیت است حتماً باید بین فعل متهم و مرگ مقتول رابطه علیت مستقیم و بی واسطه برقرار باشد. به بیان دیگر مرگ مجنی علیه در بندهای ب و ج باید ناشی از تاثیر اثر غالبی فعل متهم باشد یعنی آن قابلیت غالباً کشندگی فعل متهم مستقیماً موجب فوت مجنی علیه شود نه حادثه ی جدیدی را موجب شود و آن حادثه ی جدید که برای متهم قابل پیش بینی نبوده باعث فوت گردد. مثلاً اگر متهم، قربانی را با ایراد ضربه ای بیهوش کند

۲- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، ج ۲، بهار ۸۷، ص ۱۱۱.

و او را در کنار ساحلی در حالت دراز کشیده رها کند به طور متعارف و معقول قابل پیش بینی است که وقتی امواج بالا بیایند او غرق می شود و متهم سبب مرگ خواهد بود یعنی با اینکه متهم قصد ابتدائی قتل را نداشته است اما تحقق چنین نتیجه ای قابل پیش بینی است و رابطه علیت بین فعل متهم و مرگ مجنی علیه برقرار می شود. با وجود این اگر قربانی در حالت بیهوشی روی ساحل رها شده باشد و اتومبیلی که در جاده ای نزدیک ساحل از کنترل خارج و از جاده منحرف شود و او را زیر بگیرد به این دلیل که این امر قابل پیش بینی نبوده است مسئول قتل عمد نخواهد بود.^۱ در پرونده ای شخصی در تاریکی شب به قصد دستگیر کردن دیگری با سنگ ضربه ای به سر او وارد می آورد او پس از اصابت سنگ فرار کرده و از پرتگاهی سقوط می کند و با سر در گودالی می افتد و بدن او بر سر و گردن او فشار می آورد و بر اثر خفگی می میرد متهم قصد قتل را انکار می کند و پزشکی قانونی نیز اعلام می کند که اگر چه فعل متهم در اصابت سنگ به سر مقتول نوعاً کشنده بوده است ولی مستقیماً موجب مرگ نشده است و علت مرگ را خفگی و بسته شدن مجاری تنفسی مقتول تشخیص داد که ناشی از سقوط از پرتگاه بوده است؛ حادثه ای جدیدی که از آثار غالب فعل پرتاب سنگ به مقتول نیست بلکه یک اثر اتفاقی و استثنایی است. بنابراین متهم قاتل عمد تشخیص داده نشد. علت این حکم این است که اولاً بند ب و ج ماده ۲۰۶ ق.م.ا به طور استثنایی و برخلاف قاعده بدون نیاز به اثبات قصد قتل، متهم را مستحق مجازات قتل عمدی می داند و این دو بند برخلاف قاعده هستند. (اصل این است که باید قصد قتل باشد). ثانیاً در بندهای ب و ج قاتل اساساً فاقد انگیزه قتل است؛ قصد ایراد ضرب و جرح ممکن است داشته باشد ولی قصد قتل ندارد. عمدی دانستن قتل در این دو بند ناشی از داشتن قصد صدور و قصد اصابت در ارتکاب فعلی است که قاتل به کشنده بودن آن آگاه است و نتیجه برای او قابل پیش بینی می باشد پس اگر مرگ به علت حادثه ای رخ دهد که متهم آن را پیش بینی نمی کرده هرچند تحقق آن حادثه معلول فعل متهم باشد قتل عمدی نیست.

نتیجه اینکه در جایی که فعل غالباً کشنده نیست ولی نتیجه آن که مرگ است قابل پیش بینی باشد و وقوع نتیجه اجتناب ناپذیر باشد قتل عمدی است. مثلاً اگر شخصی در بالای پشت بام، دیگری را با لگد بزند و در اثر لگد، او از بالا بیفتد قتل عمدی است. یا مانند اینکه شخصی در کنار رودخانه ای عمیق ایستاده و دیگری او را با سنگ بزند و شخص در رودخانه بیفتد و در اثر خفگی بمیرد چون نتیجه قابل پیش بینی بوده است قتل عمدی است. اما در جایی که فعل کشنده است و شخص قصد قتل ندارد اما مقتول به واسطه ی امر دیگری که قابل پیش بینی نیست بمیرد مانند اینکه بعد از اصابت گلوله در گودالی بیفتد و در اثر افتادن در آن بمیرد به علت قطع رابطه ی علیت بین فعل متهم و وقوع مرگ، قتل عمدی نیست.

در قتل غیر عمدی نیز مستفاد از تبصره ۳ ماده ۲۹۵ ق.م.ا قابلیت پیش بینی حادثه در احراز رابطه علیت موثر می باشد. بنابراین مستفاد از عبارت «... اگر آن مقررات رعایت می شد حادثه ای اتفاق نمی افتاد...» برای اینکه بتوان کسی را به اتهام قتل در حکم شبه عمد قابل تعقیب دانست باید حادثه ای که به وقوع

۱- کاترین الیوت و فرانسس کوئین، حقوق جزا، ترجمه آوا واحدی نوایی و نسترن غضنفری، نشر میزان، ج اول ۸۷، ص ۱۰۶.

پیوسته است قابل پیش بینی باشد به طوری که اگر مقررات مربوط رعایت می شد چنین حادثه ای به وجود نمی آمد.

نتیجه این که قابلیت پیش بینی صدمه در تحقق مسئولیت بزهکار حائز اهمیت می باشد به طوری که در مواردی پیش بینی یا عدم پیش بینی صدمه موجب تحقق یا قطع رابطه علیت می شود که نتیجه ی آن نیز در مواردی که فعل نوعاً کشنده نیست موجب تحقق قتل عمدی و در مواردی نیز عدم پیش بینی وقوع صدمه حتی با وجود کشنده بودن فعل مرتکب به علت عدم پیش بینی صدمه و در نتیجه قطع رابطه علیت موجب عدم تحقق قتل عمدی می شود.



-WWW.HAGHGOSTAR.IR

-پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی